

## علی ساروی

### شطرنج باز

تا نواخته شود روز  
پیانوست که عبور می دهدت  
از چیزی به آسانی  
مرگ اما محرم نمی شود  
اتاق و

نوازنده اش  
ساعات تابستانی را می نوازند  
برگها در شکنجه رنگ می بازند  
کمد

راهرو  
و اشیاء  
و روز  
تابوتش را در شستی ها می برد.

در لباس افسری  
هیچ درختی پیدا نیست  
اما در جعبه ی موسیقی  
نتها  
سایه های بلندی دارند.